

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری  
مدیر مسئول: مسمن مهدیان  
سرمدیر: دانیال معمار  
مدیر تحریریه: مهدی علیپور  
معاون سردبیر: شهرام فرهنگ، علی عمادی  
شاهین امین، حامد فوقانی  
مدیر فنی: حامد یزدانی  
مدیر هنری: مهدی سلامی  
مدیر عکس: امیر پناهیور

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر حسین ارجلو  
شهرنگار: مدیر پروانه بهرام نژاد  
مدیر مریح باقریور  
اقتصاد: مدیر مریح موسویور  
تماشاگر: مدیر امیر محمد یعقوب پور  
مدیر لیلی فرسند

فرهنگ شهر: مدیر زهرا عباسی  
گزارش: مدیر سعید میر  
مدیر فاطمه عسگری نیا  
۳۴ (سینما و تلویزیون): مدیر سعید مروی  
مدیر علیرضا محمودی  
صفحه آخر: مدیر جواد نصرتی  
طرح و گرافیک: مدیر محمد علی طبعی

حافظ  
خیال روی تو در هر طریق همزه ماست  
نسیم موی تو، بیوند جان آگه ماست

# همیشه



## محررم نامه

### قرار به وقت ظهر عاشورا

حامد فوقانی  
هر چه فکر کردم چه صحنه‌هایی از ظهر عاشورا به یاد دارم، چگونه می‌توانم مجالسی را که در ایام محرم در آنها شرکت کرده‌ام روایت کنم و چه توصیه‌ها و پندهایی را که از بزرگان در روضه‌ها شنیده‌ام بازگو کنم، جملاتی به ذهنم ترسید که بتواند ادای مطلب کند. در میان شان فقط توصیه‌ای از غلامرضا سازگار، پیر غلام اهل بیت(ع) به یاد آمد که گفته بود: «فلسفه قیام تنها هم به معروف و نهی از منکر نیست، بلکه کنار گذاشتن تمام بدی‌ها و ترویج تمام خوبی‌هاست.»  
بیبیام به آمدن عاشورا سال را دوباره آغاز کنیم؛ ظهر روز عاشورا با خودمان عهد ببندیم و قرارهایی را تنظیم کنیم که خود تک‌ماتش اولش را بازی می‌کنیم. خدارا چه دیدید، شاید نتوانستیم عاشورای سال آینده را ببینیم، اما فضیلت عاشورای همین امسال را نباید از دست داد. چه فضیلتی بهتر از اینکه با خودمان، بین خود و خدایمان و بین خود و حسین‌مان قرار بگذاریم؟ نه، استغفرالله خدا وسیدالشهدا که به ما نیازی ندارد تا آنها را وارد عهدنامه‌مان کنیم. فقط از آنها مدد خواهیم تا لطفشان شامل حال مان و در این قرار باورمان باشد، تا دست‌مان را بگیرند تا اگر پای‌مان لغزید و زمین خوردیم، نیرویی اعطا کنند که دوباره بلند شویم. بگذارید کمی در دجل کم، مگر نه اینکه همیشه فریاد سر داده‌ایم: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» پس ای کاش که عاشورا که گذشت، طوری رفتار و عمل کنیم که انگار هر روز عاشورا است؛ همیشه به خود تلنگر بزیم در سالروز پیروزی خون بر شمشیر و بر مظلومیت ابا عبدالله(ع) و یارانش اشک ریختیم، چه وعده‌هایی به خود دادیم، چقدر درست گفته‌اند: «اژ مردم گمراه جهان، راه مجوسید / نزدیک‌ترین راه به الله حسین است»  
بیباید ظهر روز عاشورا، همان موقع که نخل را بر زمین گذاشتند، بر طبل‌ها دیگر تکویدند، علامت‌ها دیگر سلام ندادند و صدای الله‌اکبر مودن به گوش رسید، عهد کنیم که ذره ذره پول‌هایی که درمی‌آوریم، پولی که خرج می‌کنیم، نگاهی که می‌اندازیم، صدایی که می‌شنویم، حرفی که می‌زنیم و لقمه‌ای که به دهان فرو می‌بریم، به حلال باشد، باید قبول کنیم دیگر به شدت درگیر روزمرگی‌ها شده‌ایم، تکنولوژی، بخشی از زندگی‌مان شده، زمان با سرعت بالاتری سیری می‌شود و عمر زودتر به پایان می‌رسد؛ پس یک تلفن بیجا، یک سخن بی‌خرانه، یک ترددی بی‌ملاحظه و یک در آمد حتی اندک نابحق در این عصر می‌تواند بیشتر از هر زمانی دامن‌مان را در غفلتی بگیرد. در هر حالی که اگر توجه‌ماند همه اینها می‌تواند همان، ترویج خوبی‌ها باشد؛ تلفن‌هایی بیجا، سخنانی خرمندانانه، ترده‌هایی باملاحظه و درآمدهایی بحق.

## قیام عاشورا ایبان

حیدر رضا محمدی  
دوشنبه، بیستم آذر ۱۳۵۷ را شاید کسی از مردم ایران فراموش نکند؛ روزی به یادماندنی که تا همیشه بر تارک تاریخ معاصر ایران می‌درخشد؛ روزی که ملت ایران، قیام حضرت ثارالله(ع) علیه حکومت ظلم و جور را سرمشق و سرلوحه خود و آن حضرت را اسوه و الگوی حرکت آزادی‌خواهانه خود برای رهایی از زیر بوغ استبداد، استعمار و استعمار قرار داد و به پا خاست. پس سوگوار برای آن امام و منظور، ابرام و اصرار ورزید، از پای ننشست و استوار ماند، خاطرهای ماندگار ساخت که در خاطر‌ها یادگار شد و جهان را به تحیر واداشت. عاشورای عاشورایی آن سال، حکایتی دگر بود؛ حکایتی از حضور دست‌در دست زن و مرد و پیر و جوان که آمده بودند تا از زار خود را اعلام کنند و این عکس، راوی صادق آن روز است.



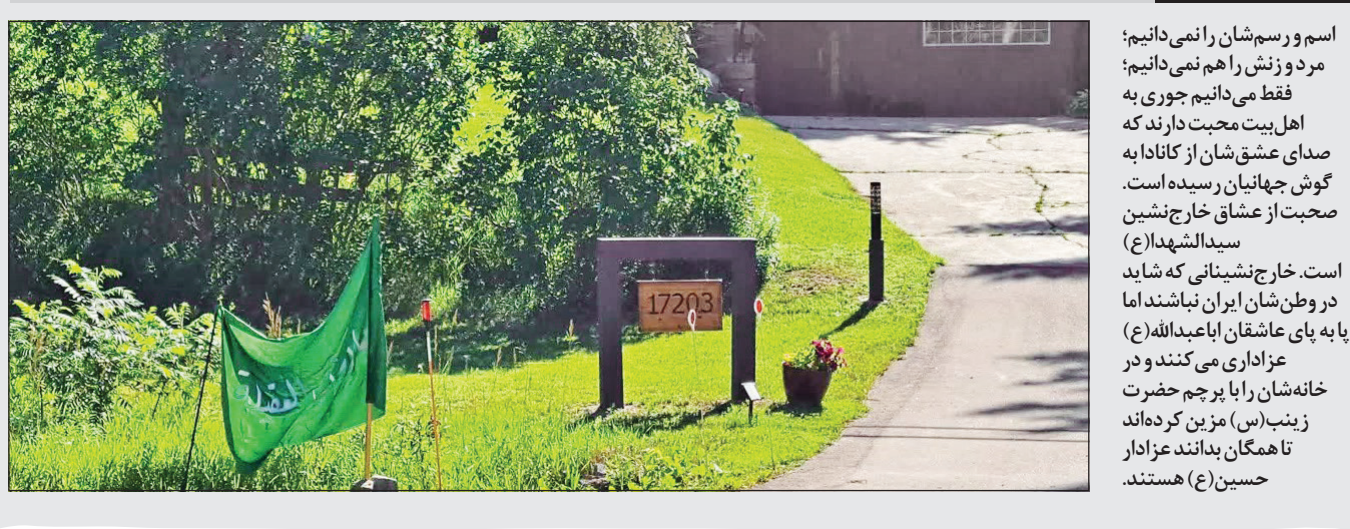
این عکس حکایت روزی است که ملت ایران، قیام حضرت ثارالله(ع) علیه حکومت ظلم و جور را سرمشق و سرلوحه خود برای رهایی از زیر بوغ استبداد، استعمار و استعمار قرار داد و به پا خواست

## ۳ درس حسینی برای زندگی امروز



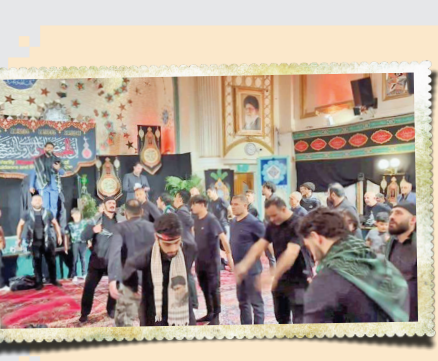
سیدمروش طباطبایی پور  
قصه کاروان حسین(ع) و یارانش، تنها قصه کربلا و هزار و اندی سال پیش نیست؛ کاروان او قرن‌هاست جلوی دیدگان ما، به سوی نور قدم بر می‌دارد و با تکامل ما، هر بار در زندگی ما، حرفی جدید و طرحی نو در می‌اندازد. پس حالا باید آندیشمندان، با بررسی منش و روش حرکت حسین(ع) و یارانش در طول تاریخ، رد پاسخ به این سؤال را گرفت که با مختصات زندگی امروز، چه درس‌هایی از زندگی امام و یارانش می‌توان آموخت.  
**درس اول: گاهی می‌توان زندگی را رها کرد و رفت / شهادت**  
اوضاع و احوال زندگی در سال ۶۱ هجری، به گونه‌ای پیش رفت که امام به این نتیجه رسیدند که با حفظ زندگی خود، چیزهایی با ارزش‌تر از زندگی را از دست می‌دهند؛ پس امام با انتخاب مسیر شهادت، نخستین درسی که به ما آموخت، آن بود که اینگونه نیست که من با هر خفتی، به زندگی بچسبم و گاهی باید به خاطر ارزش‌هایی والاتر، از زندگی نیز دست بشویم.  
**درس دوم: انسانیت خریدنی نیست / شرافت**  
در دنیای امروز، گروهی تصور می‌کنند هر انسانی خریدنی است و تنها تفاوت در انسان‌ها، آن است که قیمت‌ها متفاوت است؛ انسانی را با استخدام در کاری دیگری را با پیشنهاد وزارت و و کالت و آن یکی را با دادن سسکه و دلار می‌شود خرید. پیام امام در ماجرای عاشورا، آن بود که هستند انسان‌هایی که نمی‌توان آنها را خرید و از آنها استفاده ابزری کرد.  
**درس سوم: حق انتخاب قائل باش / احترام**  
شب عاشورا امام به یارانش حق انتخاب داده، آنها را در خیمه‌ای جمع کرد و بیعتش را از دوش آنها برداشت و به آنها احترام گذاشت و اجازه داد جانشان را نجات دهند و شبانه، خیمه را ترک کنند. مسیر حسین(ع)، مسیری روشن بود که همانا ماندن و شهادت را در آغوش کشیدن بود؛ اما مرام حسین(ع) چنین بود که برای یارانش احترام قائل باشد و برای گام زدن در مسیر حق نیز به یارانش حق دهد که انتخاب کنند.

## عکس روز عاشقان تبار حسین(ع)



خانه یکی از عاشقان اهل بیت(ع) در کانادا

اسم و رسم‌شان را نمی‌دانیم؛ مرد و زنش را هم نمی‌دانیم؛ فقط می‌دانیم جوری به اهل بیت محبت دارند که صدای عشق‌شان از کانادا به گوش جهانیان رسیده است. صحبت از عشاق خارج‌نشین سیدالشهدا(ع) است. خارج‌نشینانی که شاید در وطن‌شان ایران نباشند اما پا به پای عاشقان ابا عبدالله(ع) عزاداری می‌کنند و در خانه‌شان را با پرچم حضرت زینب(س) مزین کرده‌اند تا همگان بدانند عزادار حسین(ع) هستند.



نگاه  
احترام می‌کنند. علاوه بر ایرانیان، دلدادگان حضرت ابا عبدالله(ع) از سنین، قشرها و ملیت‌های مختلف از جمله انگلیسی، افغانستانی، عراقی، هندی، پاکستانی، بحرینی، لبنانی و کویتی دور هم جمع می‌شوند و در فضای معنوی و آکنده از عطر حسینی، با کلام سخنرانان به زبان‌های مختلف، با ویژگی‌های مکتب حسینی بیشتر آشنا می‌شوند. آیین‌های ویژه ماه محرم و برپایی مجالس عزای حسینی، علاوه بر دهانه نقطه در لندن، در شهرهای منچستر، بیرمنگام، لیورپول، کاردیف، گلاسکو و نیوکاسل نیز برگزار می‌شود.

## عکس خانه

تکیه مردان کوچک  
سال‌هاست که جوان‌ها و بزرگ‌ترهای هر محله، با آمدن ماه محرم دور هم جمع می‌شوند تا تکیه‌ها بر تن دیوارها بنشینند، موکب‌ها بر پا شوند و عطر جای قند بپلوی حضرتی در آسمان محرم بپیچد. اما این فقط بزرگ‌ترها نیستند که قرار دل‌هاشان را در کنج تکیه‌ها جست‌وجو می‌کنند؛ بچه‌ها هم سهم کوچکی در این عزاداری بزرگ دارند. بچه‌ها با کمترین امکانات، تکیه درست می‌کنند و حتی شده با ۲ استکان چای، از عزاداران حسینی پذیرایی می‌کنند.



کار زیبای طلافروشان بزدی  
عاشقان حسینی این روزها و شب‌ها به انواع مختلف سوگوار غم‌سور و سالار شهیدان(ع) هستند. اما طلافروشان بزدی علاوه بر برپایی مراسم روضه خوانی و عزاداری به صورت ویژه یک کار زیبای متفاوت نیز انجام داده‌اند. طلافروشان بزدی هماهنگ با هم در روز سوم محرم در غم ۳ساله امام حسین علیه‌السلام و مصیبت‌های اسارت حضرت زقیه(س) در مغازهایشان از خرید و فروش گوشواره خودداری کردند.



## کار خوبی که دیده شد

محرم که می‌شود، هر کسی یک گوشه کار را می‌گیرد تا خیری برساند؛ چند نفر تکیه برپا می‌کنند، عده‌ای طبل و سنج و دمام می‌زنند؛ یک نفر بانی یخت غذای نذری برای نیازمندان می‌شود؛ بچه‌ها غذاها را پخش می‌کنند؛ چند نفر دیگ‌های نذری را می‌شویند و این وسط عده‌ای هم هستند که حواس‌شان به ریخت و پاش‌های بعد از عزاداری است. همان زمان که همه به سوی خانه‌هایشان روانه می‌شوند، این افراد زباله‌های باقی‌مانده را از خیابان و محله جمع می‌کنند. مثل جوانان هیئت قمر بنی‌هاشم حسینیه اعظم پادرو که این شب‌ها بعد از پایان مراسم عزاداری برای کمک به پاک‌بازان شهرداری، تمام لیوان‌های یک‌بار مصرف را جمع‌آوری و میدان امام حسین علیه‌السلام را پاک‌سازی می‌کنند.

## به فدای لب عطشان حسین(ع)

اگر چه تقریباً دوره آبسردکن‌های کنار خیابان و جلوی مغازه‌ها گذشته اما هنوز هم هستند آدم‌هایی که دنبال اجر کار خیرند و تابستان که می‌شود، بساط شربت و آب آشامیدنی برای عابران را مهیا می‌کنند. این آدم‌ها نه تنها برای سیراب کردن هموعان‌شان بانی خیر می‌شوند، بلکه نمادی هستند از انسانیتی که پررنگ بودنش حال آدم را خوب می‌کند. نمونه‌اش یک هموطن قومی است که در این ماه محرم شربت‌های خنک را با برچسب «به فدای لب عطشان حسین(ع)» بین کارگرهای تشنه، پیک‌های موتور و هر کسی که در ساعات گرم روز در خیابان‌های قم در رفت‌وآمد است، پخش می‌کند تا این آدم‌ها را سیراب کند. تقبل منا هذا القلیل و اجر تان با ابوالفضل العباس(ع).

## رسم مهربانی

بزرگ‌ترین غم و اندوه و ماتم است اما محور تمام خیرهای خوب و کارهای نیک، ناشم که می‌آید هر گره‌گویی باز می‌شود و هر سختی‌ای آسان. اصلاً رحمت‌الله‌الواسعه است و محبان و خادمان و عزادارانش هم این مهر و مهربانی را به صورت قطره‌ای از دریای بی‌کران وجودش به ارث برده‌اند که امروز حسین علیه‌السلام زبان مشترک همدلی دنیاست. نمونه این مهربانی که حالا کم‌کم دارد تبدیل به یک رسم زبیا می‌شود، کار خیر برخی از خشکسویی‌ها در ایام محرم است که شست‌وشوی لباس عزاداران حسینی را به صورت رایگان انجام می‌دهند. محرم امسال چند خشکسویی در تهران و شهرهای دیگر برای نشان دادن عشق و ارادت‌شان به ابا عبدالله(ع) این کار خیر را بر عهده گرفته‌اند و هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شود.

## موکب‌داران کوچک

هم اسم خودش ابوالفضل بود و هم اسم رفیق صمیمی‌اش؛ دو تاریخ ۱۰(ساله) که نشستند بودند و با هم سنگ‌ها پاشان را واکنده بودند که دل‌شان رضا نمی‌دید فقط برای ابا عبدالله(ع) لباس سیاه بپوشند، عزاداری کنند و زنجیر بزنند یا بسینی‌چای در هیئت پچر خاندن و خادمی کنند؛ دل‌شان می‌خواست تمام شهر و کوچه‌هایش، در ماتم و عزای حسینی سهم داشته باشند؛ حتی کوچه فرعی و کم‌تردد و خاکی آنها. برای همین آن روز از مادرهایشان چادر مشکی طلب کردند تا ساده‌ترین خیمه امام حسین(ع) را در یکی از محله‌های گیلان به پا کنند؛ خیمه‌ای که سادگی‌اش بزرگ‌ترها را هم پای کار آورد و هر کس چیزی نذری می‌آورد. در آخر هم ابوالفضل و دوستانش شربت خنک در گرمای تابستان به دست همسایه‌ها می‌دادند.

